بسم‌الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[آیه نفی اکراه 1](#_Toc427996378)

[راه‌حل دیگر دفع تعارض 1](#_Toc427996379)

[اتخاذ مبنا 2](#_Toc427996380)

[راه جمع دیگر 2](#_Toc427996381)

[اتخاذ مبنا 2](#_Toc427996382)

[احتمال آقای شیرازی 2](#_Toc427996383)

[مناقشه در استدلال فوق 2](#_Toc427996384)

[تعمیم آیه 3](#_Toc427996385)

[اتخاذ مبنا 3](#_Toc427996386)

[شبهه عدم اجرای حکم ارتداد 3](#_Toc427996387)

[پاسخ از این شبهه 3](#_Toc427996388)

# آیه نفی اکراه

# راه‌حل دیگر دفع تعارض

احتمال دیگری که در این زمینه می‌تواند مطرح شود و در کتاب جهاد نیز ذکرشده است، این است که آیات مربوط به کف از جهاد و عدم قتال مربوط به زمانی است که افراد نسبت به معارف دینی به‌خوبی تبیین نشده باشد و مردم به‌خوبی از آن‌ها اطلاع نداشته باشند.

# اتخاذ مبنا

این نیز راه‌حلی است که چندان نمی‌تواند مورد تأیید قرار گیرد. چراکه لازمه این جمع این بوده که هم‌اکنون که تبیین صورت پذیرفت پس می‌شود اجبار نمود. اما درنهایت به نظر می‌رسد که احتمال تدریجی بودن یعنی نزول احکام بر اساس میزان قدرت و شرایط مسلمانان از سایر احتمالات اقوی باشد. شواهد تاریخی و قرائن عقلی نیز مؤید این احتمال هستند.

اگر کسی در اینجا این احتمال را نپذیرفت باید قائل باشد که در اینجا نسخ صورت گرفته است چراکه چندان نمی‌توانستیم احتمال عموم و خصوص را بپذیریم.

# راه جمع دیگر

راه جمع دیگری نیز در اینجا وجود دارد که کسی قائل شود آیات مربوط به کف ید و جهاد، اختیارش به ید حاکم است و اوست که می‌تواند مصالح یک جامعه را تشخیص دهد.

# اتخاذ مبنا

این نیز احتمالی است که نمی‌تواند چندان بعید باشد.

# احتمال آقای شیرازی

احتمال دیگری در این زمینه در کتاب الفقه آقای شیرازی مطرح‌شده است که آیه نفی اکراه، اصلاً ارتداد را دربر نمی‌گیرد، چراکه در ارتداد اکراه معنا ندارد چون خود فرد می‌داند اگر پس از مسلمان شدن مرتد شد یا باید توبه کند و یا باید کشته شود، لذا خودش اقدام به این امر نموده و اکراهی در میان نبوده است.

# مناقشه در استدلال فوق

این کلام چندان جایگاهی ندارد، چراکه در مرتد فطری بدین‌صورت عرفاً اکراه صادق است. و درمجموع این اشکال وارد نیست چراکه حکم عدم اکراه یا حکم تشریعی نبوده و یا تخصیص خورده و یا می‌گوییم شرایط این دو حکم با یکدیگر متفاوت است.

## تعمیم آیه

سؤال دیگری که در این باب وجود دارد این است که آیه نفی اکراه تنها اظهار اسلام را دربر می‌گیرد یا سایر مظاهر آن و امور و فروع ثانوی را دربر می‌گیرد.

## اتخاذ مبنا

بیشتر این احتمال وجود دارد که گفته شود آیه منصرف به اصل اسلام و دعوت به آن است. اما آیه نسبت به سایر امور سکوت دارد. ادامه آیه نیز به صورتی است که این ادعا را تأیید می‌کند. البته بعید نیست آیه معنای عامی را داشته باشد و اکراه ناپذیری همه معتقدات قلبی را دربر گیرد.

### شبهه عدم اجرای حکم ارتداد

شبهه‌ای در اینجا وجود دارد که این حکم ارتداد در بسیاری از زمان‌ها اجرانشده است و در سیره ائمه اطهار نیز برخورد کرده‌ایم که افراد زندیقی بوده‌اند که صراحت همه اصول اعتقادی را زیر سؤال می‌بردند و در احتجاجات و مناظرات شرکت می‌کردند. اما این حکم در قبال آن‌ها جاری نمی‌شده است.

### پاسخ از این شبهه

در جواب از این شبهه می‌توان گفت که این سیره بوده و لسان ندارد. در موارد بسیاری نیز ایشان بسط ید جهت اجرای حکم را نداشته‌اند. و موارد شبهه نیز امور واقعیه نبوده است، برای مثال فردی مرتد می‌شده است چراکه برای او شبهه‌ای قوی شکل‌گرفته بوده است. از طرفی نیز بحث عناوین ثانوی مطرح بوده است.